



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 29, No 4, Winter 2023

Received date: 2023.04.23

Acceptance date: 2023.06.01



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1401.29.4.12.4

Strategic issues and trends in Afghanistan

Nozer Shafiee^۱



Abstract

This article aims to answer the question, what are the most important issues or challenges in Afghanistan? How are they formed? What process have they gone through? And what will be their situation for the year 1402? The subject under discussion is usually such that it does not have the hypothesis or hypotheses that are proposed in explanatory research. However, the power struggle in Afghanistan, the issue of recognizing or not recognizing the Taliban, the issue of women in Afghanistan, and finally the economic issues of Afghanistan are considered as four important issues that the political life of the Taliban is highly dependent on. This article is written in a descriptive-analytical way using library resources. The findings of the article showed that Afghanistan's challenges will continue in the four areas mentioned in the coming year unless either the Taliban adjust their extremist policy or the international community is forced to encourage the Taliban to respect human rights, form an inclusive government, the improvement of the economic situation, and cooperation in the fight against terrorism, recognize the government of this group.

Keywords: Inclusive government, Terrorism, Recognition, National resistance front.

^۱ Regional Studies Department, University of Tehran, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۲۹، شماره ۴، پیاپی (۱۱۰)، زمستان ۱۴۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۱.۲۹.۴.۱۲.۴

نوع مقاله: پژوهشی

مسئله‌ها و روندهای استراتژیک در افغانستان

نوذر شفیعی^۱



چکیده

مقاله حاضر قصد دارد به این پرسش پاسخ دهد که در سال پیش‌رو یعنی سال ۱۴۰۲، مهم‌ترین مسائل یا چالش‌های افغانستان کدامند؟ چگونه شکل گرفته‌اند؟ چه روندی را طی کرده‌اند؟ و برای سال ۱۴۰۲ چه وضعیتی خواهند داشت؟ موضوع مورد بحث به گونه‌ای است که فرضیه یا فرضیاتی را که در پژوهش‌های تبیینی مطرح می‌شوند نخواهد داشت. با این حال جنگ قدرت در افغانستان، مسئله شناسایی یا عدم شناسایی طالبان، مسئله زنان در افغانستان، و در نهایت مسائل اقتصادی افغانستان به‌عنوان چهار مسئله مهمی در نظر گرفته شده که حیات سیاسی طالبان به‌شدت به آن‌ها وابسته‌اند. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای نگارش شده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که در سال پیش‌رو چالش‌های افغانستان در حوزه‌های چهارگانه یادشده ادامه خواهد یافت مگر اینکه یا طالبان سیاست تندرمانه خود را تعدیل نمایند و یا جامعه بین‌المللی مجبور شود برای تشویق طالبان به رعایت حقوق بشر، تشکیل دولت فراگیر، بهبود اوضاع اقتصادی و همکاری در مبارزه با تروریسم حکومت این گروه را به رسمیت شناسد.

واژگان کلیدی: دولت فراگیر، تروریسم، شناسایی، جبهه مقاومت ملی.

در این مطلب منظور از «مسئله‌ها» مهم‌ترین موضوعاتی است که در افغانستان وجود دارد و عملاً چالش‌های جدی در مسیر حکومت طالبان و منظور از «روندها» چگونگی شکل‌گیری و تداوم این مسائل یا چالش‌ها است. بنابراین سوال این است که مهم‌ترین چالش‌های طالبان که به نوعی چالش‌های کشور افغانستان نیز هست کدامند؟ چگونه شروع شده‌اند و چگونه تداوم می‌یابند؟ از این منظر در این مقاله چهار مسئله مهم به‌عنوان چالش شناسایی شده و روندهای آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند که عبارت هستند از: جنگ قدرت در افغانستان، مسئله شناسایی حکومت طالبان، وضعیت زنان و اوضاع اقتصادی افغانستان. ادبیات پژوهشی پیشین ضمن آنکه موضوعاتی نظیر موضوعات این مقاله را به‌عنوان مهم‌ترین چالش‌ها و مسائل طالبان ذکر کرده‌اند اما در ارزیابی و چشم‌اندازی که درباره روندهای آن‌ها ترسیم کرده‌اند متفاوت هستند. به‌عنوان مثال بعضی از این پژوهش‌ها بر این باور هستند که طالبان در صحنه جهانی منزوی خواهند ماند، همسایگان منطقه‌ای نوعی تعامل را حفظ خواهند کرد، اما بعید است که رژیم را رسماً به رسمیت بشناسند، تحریم‌های گسترده در سال‌های ۲۰۲۳-۲۰۲۴ باقی خواهند ماند، طالبان کنترل بیشتر کشور را در دست خواهند داشت، اما جنبش مقاومت به رشد خود ادامه خواهد داد، گروه‌های تروریستی در حال ایجاد پایگاه‌هایی در کشور هستند که ممکن است به مداخله جدید غرب منجر شود (Economic Intelligence Unit, 2023: 1). بعضی دیگر از این پژوهش‌ها با تمرکز بر اوضاع اقتصادی افغانستان چشم‌انداز تاریک‌تری را از این کشور ترسیم کرده‌اند و بر اساس نظر سنجی به عمل آمده معتقدند ۹۰ درصد افغان‌ها می‌گویند که تأمین درآمد خانوار دشوار یا بسیار دشوار است، ۹۲ درصد فکر می‌کنند که زمان بدی برای یافتن کار است و ۸۶ درصد قادر به تهیه غذا نبوده‌اند (Claire Evans, 2022: 2).

مقاله حاضر با در نظر داشتن این دیدگاه‌ها و با بررسی دیدگاه‌های بیشتر، در پی نگاه واقع‌بینانه‌تری به مسائل افغانستان است؛ به‌ویژه اینکه تحولات افغانستان به‌سرعت در حال دگرگونی است و ادبیات پیشین ممکن است در مقطع زمانی به رشته تحریر درآمده باشند که شرایط موجود و آینده را به شکل فوق به تصویر می‌کشید. در هر حال جنگ قدرت در افغانستان، شناسایی یا عدم‌شناسایی طالبان توسط جامعه بین‌المللی، مسئله زنان و اوضاع اقتصادی این کشور موضوعات مهمی در نظر گرفته شده‌اند که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرند و چشم‌انداز آن‌ها برای سال ۱۴۰۲ ترسیم خواهد شد.

۱. جنگ قدرت در افغانستان

منظور از جنگ قدرت در افغانستان به سه نوع رابطه مربوط می‌شود: جنگ قدرت در درون طالبان، بین طالبان و داعش، بین طالبان و جبهه مقاومت. جنگ در درون طالبان به این پرسش مرکزی مربوط می‌شود که آیا رهبر عالی طالبان، هیبت‌الله آخوندزاده، کنترل مستحکم خود را بر تمام تصمیم‌گیری‌ها حفظ می‌کند یا خیر؟ جنگ بین طالبان و داعش به این پرسش مربوط می‌شود که آیا طالبان می‌تواند بر داعش فایز آید؟ جنگ بین طالبان و جبهه مقاومت به این پرسش مربوط می‌شود که آیا جبهه مقاومت ملی می‌تواند خود را بازسازی کند و برای طالبان چالش‌ساز شود؟

۱-۱- جنگ قدرت در درون طالبان

در طول سال گذشته حکومت طالبان به تدریج اقتدارگراتر شد و از نظر جزئی شبیه دهه ۱۹۹۰ شد. این حکومت که با محوریت تفکر سخت طالبانیسم و قومیت پشتون تشکیل شده تا کنون کمترین نقشی را برای اقلیت‌های قومی و مذهبی دیگر و کسانی که با جمهوری سقوط کرده افغانستان مرتبط هستند قائل نیست. در این حکومت همچنین حقوق فردی از بین رفته و دسترسی زنان به آموزش، شغل و حتی حوزه عمومی برای مسافرت و مراقبت‌های پزشکی کاهش یافته است. اداره کل اطلاعات (GDI) در وزارت کشور که تحت کنترل سراج‌الدین حقانی است و وزارت امر به معروف و نهی از

منکر، به ابزار اصلی سرکوب تبدیل شده‌اند. همان‌گونه که اشرف غنی مرکزیت قدرت را به یک گروه سه نفره محدود کرده بود، در حکومت طالبان نیز قدرت در دست ملا هیبت‌الله و گروه او در قندهار متمرکز شده است.

هیبت‌الله با قدرت تقریباً مطلق، بارها نظرات سایر جناح‌های طالبان، به‌ویژه رهبران واقعی‌تر و بین‌المللی‌گرای طالبان را رد کرده است. در روایت شرعی او اسلام حنفی تنها تفسیر واقعی از اسلام است و تحت حکومت او نه تنها زنان از تحصیل و کار محروم شده‌اند بلکه تقریباً نیمی از جمعیت افغانستان به‌شدت در معرض ناامنی غذایی و ۶ میلیون نفر نیز در آستانه قحطی قرار گرفته‌اند. در همین حال بیش از یک چهارم از جمعیت حدوداً ۴۰ میلیونی افغانستان بسته‌های غذایی و کمک-هزینه‌های نقدی را از برنامه جهانی غذا دریافت می‌کنند. تشدید سرکوب زنان، اقلیت‌ها و منتقدان سیاسی حتی کمک‌های بشردوستانه ضروری غرب را به خطر انداخته است. با این حال، هیبت‌الله و گروه او در قندهار، زندگی روی زمین، از جمله رنج و مرگ توده‌ای را صرفاً گامی به سوی زندگی پس از مرگ تعریف می‌کنند و بدون توجه به پیامدهای انسانی و اقتصادی، صرفاً عقاید خود را به پیش می‌برند.

اما دیگر رهبران طالبان بر اساس محاسبات هیبت‌الله عمل نمی‌کنند؛ آن‌ها می‌خواهند کنترل افغانستان را برای مدت طولانی حفظ کنند و محاسبه می‌کنند که اگر اقتصاد به‌کلی دچار مشکل شود، انزوای بین‌المللی تشدید شود و منابع خارجی قطع شوند، دیگر نمی‌توانند قدرت خود را در افغانستان حفظ کنند. آن‌ها شامل بخش‌های بین‌المللی‌تر طالبان می‌شوند -چهره‌های دیپلماسی طالبان مانند ملا عبدالغنی برادر، معاون اول نخست‌وزیر و برخی از فرماندهان نظامی بسیار قدرتمند با شبکه‌ها و نفوذ قوی از جمله ملا یعقوب، سرپرست وزارت دفاع، پسر ملا عمر رهبر طالبان در دهه ۱۹۹۰ و سراج‌الدین حقانی سرپرست وزارت داخله (3: Felban Brown, 2023).

این رهبران و دیگر مقامات طالبان بارها به دنبال متقاعد کردن هیبت‌الله برای لغو ممنوعیت تحصیل دختران و اشتغال زنان و سایر سیاست‌های بحث‌برانگیز بودند اما خیلی موفق نبوده‌اند و حتی هیبت‌الله در بعضی ملاقات‌ها از پذیرش آن‌ها خودداری کرده است. اگرچه هیبت‌الله در سال ۲۰۱۶ از سوی شورای طالبان به دلیل ضعف مفروضش در تصمیم‌گیری انتخاب شد، اما علاوه بر اعتبار مذهبی، با مشت آهنین حکومت کرده است. امروزه دوری یا نزدیکی به هیبت‌الله به نماد جنگ داخلی در درون طالبان تبدیل شده است و این سوال را پیش آورده است که آیا تغییر قدرت در طالبان برای محدود کردن یا حذف هیبت‌الله در سال ۱۴۰۲ رخ می‌دهد؟

سازماندهی یک کودتای داخلی آشکار بسیار پرخطر است -که مستلزم اعدام احتمالی سازمان‌دهندگان آن و انشعاب طالبان است. کودتا مستلزم اتحاد عملی اساسی بین ملا برادر، سراج‌الدین و ملا یعقوب است که هیچ‌یک به یکدیگر اعتماد ندارند. تغییر قدرت به مراتب کم‌خطرتر، که ظاهراً در حال حاضر توسط رهبران ناراضی طالبان دنبال می‌شود اما هنوز دستیابی به آن دشوار است، تشکیل یا احیای شورای رهبری (ترتیب قبلی شورای رهبری) است که به موجب آن تصمیمات با اجماع در داخل شورا گرفته شده و سپس توسط هیبت‌الله تأیید می‌شود. اما بعید است هیبت‌الله به چنین مکانیسمی که به معنی سلب قدرت از اوست تمایل نشان دهد.

گزینه دیگری که تغییر قدرت را امکان‌پذیر می‌سازد شکاف در درون قبیله هیبت‌الله و تضعیف پایگاه قومی اوست. بشیر نورزی یکی از افرادی است که استعداد این کار را دارد. او از همان قبیله‌ای است که هیبت‌الله متعلق به آن است و در همین حال با هیبت‌الله زاویه دارد و از تغییر رهبری او حمایت می‌کند. توافق آمریکا به آزادی او از زندان و مبادله او با یک گروگان آمریکایی می‌تواند زمینه‌ساز این شکاف باشد.

ترور خارجی یا داخلی هیبت‌الله یک گزینه دیگر برای تغییر رهبری است اما این اقدام ممکن است باعث تشدید شکاف‌ها و درگیری خونین در طالبان شود. این اقدام اگر توسط کشورهای خارجی اتفاق افتد نیز ممکن است وحدت داخلی طالبان

را بیشتر کند و آن‌ها را به ادامه دادن مشی هیبت‌الله تشویق کند. در نهایت شاید طالبان مجبور شود به سمت جانشینی ملا هیبت‌الله حرکت کند. تنها فرد لایق برای جانشینی او ملا برادر می‌باشد اما ایشان با آنکه دارای اعتبار داخلی مهمی هست، اما فاقد پایگاه قدرت نظامی است و پاکستان نیز به شدت با آن مخالفت خواهد کرد. سراج‌الدین می‌تواند گزینه بعدی باشد اما قندهاری‌ها از جمله ملا یعقوب و ملا برادر با آن مخالفت می‌کنند. تنها گزینه می‌تواند ملا یعقوب باشد که هم از قندهار است و هم به اعتبار پدرش ملا عمر نفوذ زیادی در طالبان دارد. اینکه در سال جاری جنگ قدرت در درون طالبان چه سرانجامی خواهد داشت باید منتظر رویدادها بود.

۲-۱- طالبان و داعش

از زمان تسلط طالبان بر افغانستان، تروریست‌ها از سراسر خاورمیانه، آسیای مرکزی و پاکستان به افغانستان هجوم آورده‌اند که ظاهراً برخی از آن‌ها توسط دولت‌های منطقه حمایت می‌شوند. در نمایشی خیره‌کننده از غرور، سراج‌الدین به ایمن الظواهری، رهبر القاعده اجازه داد تا در یک خانه امن در مرکز کابل مستقر شود -جایی که یک حمله هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا او را کشت.

به دلیل اعتبار جهادی، بدهی‌های سیاسی و نیاز به جمع‌آوری کمک‌های مالی در خارج از کشور، طالبان هرگز روابط خود را با سایر گروه‌های تروریستی قطع نکرده است. در تمام طول این مدت، موضوع مورد بحث این بود که آیا طالبان از انجام حملات در خارج از کشور توسط گروه‌های تروریستی مستقر در افغانستان جلوگیری می‌کند یا خیر؟ به غیر از تحریک طالبان پاکستان، کمتر گروه تروریستی بوده که از قلمرو طالبان به خاک کشورهای دیگر حمله کرده باشد. طالبان حتی سعی کرده است شبه نظامیان ایغور را از مرز افغانستان و چین دور کند. اما طالبان برای مهار رقیب اصلی خود، یعنی داعش، به سختی تلاش کرده است. این گروه به دنبال شعله‌ور کردن جنگ فرقه‌ای در افغانستان، انشعاب در طالبان و کاهش منابع اقتصادی خارجی آن است. حمله به شیعیان، اتباع چینی و اماکن روسی در کابل نمونه‌ای از اقدامات داعش است. به نظر می‌رسد در سایه جنگ قدرت در درون طالبان و نیز شرایط ملتهب داخلی، طالبان کمتر فرصت این را پیدا کند که اقدام جدی را برای مهار داعش انجام دهد و لذا تلاش‌های بی‌ثبات‌کننده این گروه در سال جاری کماکان ادامه خواهد یافت. تأثیر سیاسی عملیات خشونت‌بار داعش این خواهد بود که این روایت طالبان را تضعیف کردند که تنها یک دولت به رهبری طالبان می‌تواند صلح و ثبات را در کشور به ارمغان بیاورد، آن هم به این دلیل که می‌تواند گروه‌های شبه‌نظامی را از انجام عملیات‌های خشونت‌بار داخلی و فرامرزی باز دارد (Crisisgroup, 2022: 6).

۳-۱- طالبان و جبهه مقاومت

جبهه مقاومت خود به چند گروه تقسیم می‌شوند. بزرگترین این گروه‌ها جبهه مقاومت ملی است که بر اساس گزارش‌ها از تاجیکستان توسط احمد مسعود رهبری می‌شود و اساساً در ولایت پنجشیر و مناطق مجاور آن در شمال، از جمله در بخش‌هایی از ولایت‌های بغلان، پروان و کاپیسا فعال است. دومین گروه شورای عالی مقاومت ملی برای نجات افغانستان است و شامل بسیاری از رهبرانی است که در دهه ۱۹۸۰ به شهرت رسیدند و به‌عنوان بخشی از دولت پس از ۲۰۰۱ خدمت کردند. این گروه ادعای فعالیت نظامی نکرده است، اما جنگجویان وابسته به عطا محمد نور عضو شورا، سیاستمدار شمالی، قصد خود را برای مقاومت مسلحانه در منطقه اندراب و نیز ولایت‌های سرپل، سمنگان و بامیان اعلام کرده‌اند. سایر گروه‌های مقاومت کوچکتر به نظر می‌رسند؛ برجسته‌ترین این گروه‌های کوچکتر، جبهه آزادی افغانستان است که توسط ژنرال محمد یاسین ضیا، رئیس سابق ستاد کل ارتش رهبری می‌شود. این جبهه از اوایل سال ۲۰۲۲ تا کنون ده‌ها حمله را بر عهده گرفته است. فعالیت‌های آن عمدتاً در شمال است، اما از نظر جغرافیایی نیز پراکنده است. جنبش ملی و آزادی‌بخش اسلامی افغانستان که در ماه فوریه اعلام موجودیت کرد، از دیگر گروه‌های کوچک به‌شمار می‌رود و ظاهراً از

پرسنل نیروهای امنیتی سابق تشکیل شده است. این گروه مسئولیت نزدیک به دوازده حمله در جنوب و شرق افغانستان را بر عهده گرفته است. به نظر می‌رسد که عمدتاً از پشتون‌ها تشکیل شده و بر مناطق جنوبی طالبان متمرکز است (Crisisgroup, 2022: 6). سایر گروه‌های شورشی هنوز در حال ظهور هستند و حضور محدودی در میدان نبرد دارند. این‌ها عبارتند از: جبهه سپاه آزادی، سربازان گمنام هزارستان، جبهه آزادی و دموکراسی در هزارستان، جبهه نورستان غربی و جبهه ترکستان جنوبی.

فعالیت و موفقیت جبهه مقاومت تا حد زیادی به این بستگی دارد که شکاف در درون طالبان تا چه حد خودنمایی می‌کند، جامعه مدنی به‌ویژه زنان تا چه حد به مقاومت مدنی خود علیه طالبان ادامه می‌دهند، اوضاع اقتصادی افغانستان تا چه حد برای طالبان چالش‌زا می‌شود و در نهایت جامعه بین‌المللی تا چه حد از این جبهه در مقابل طالبان حمایت می‌کند.

۲. چالش شناسایی بین‌المللی

از زمانی که طالبان در اوت ۲۰۲۱ قدرت را در دست گرفت، هیچ کشوری طالبان را به‌عنوان دولت جدید افغانستان به رسمیت نشناخت. در حقوق بین‌الملل رویکرد مرسوم این است که به رسمیت شناختن خارجی (شناسایی) از نظر قانونی بخشی از عناصر «تشکیل‌دهنده» یا «تعیین‌کننده» نهاد دولت نیست. در عوض، یک نهاد در صورتی به‌عنوان دولت واجد شرایط می‌شود که به‌طور مؤثر، مستقل و بادوام قلمرو کشور را کنترل کند، اقتدار آن توسط مردم به رسمیت شناخته شود (اما نه لزوماً حمایت شود) و هیچ مرجع مؤثر رقیب وجود نداشته باشد. به رسمیت شناختن ممکن است به سادگی «اعلام» این وضعیت حقوقی باشد اما حتی در صورت عدم شناسایی، آن نهاد همچنان دولت قانونی خواهد بود (Saul, 2021: 2). تنها محدودیت‌های مطلق در مورد پذیرفته شدن یک نهاد به‌عنوان دولت، مواردی است که شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره عدم شناسایی آن تصمیمی الزام‌آور گرفته است که در این صورت آن دولت غیرقانونی است و نباید به رسمیت شناخته شود؛ مانند زمانی که آفریقای جنوبی نامیبیا را با نقض موازین بین‌المللی اشغال کرد. به‌علاوه در شرایطی که یک دولت با نقض یک قاعده آمره قدرت را به‌دست گرفته باشد نباید به رسمیت شناخته شود، مانند دولتی که از طریق استفاده غیرقانونی از زور توسط یک دولت خارجی یا نادیده گرفتن حق تعیین سرنوشت به قدرت رسیده است. در نامیبیا در موردی که قبلاً ذکر شد، سازمان ملل از همه کشورها خواست با آفریقای جنوبی در رابطه با نامیبیا (به استثنای معاهده‌های بشردوستانه) معاهده‌ای منعقد یا اعمال نکنند و از روابط دیپلماتیک، اقتصادی و سایر روابط با این کشور خودداری کنند. صرف‌نظر از این موارد اگر دولتی موفق شد بر سرزمین خود اعمال اقتدار مؤثر نماید این دولت می‌تواند طرف حق و تکلیف در عرصه بین‌المللی باشد (Saul, 2021: 2).

بر اساس استانداردهای جامعه افغانستان، واضح است که طالبان به‌طور مؤثر قلمرو این کشور را کنترل می‌کند. نه تنها اقتدار دولت سابق افغانستان از بین رفته است بلکه آن دولت دیگر حتی یک ادعای رسمی قانون اساسی برای حکومت بودن ندارد. به‌علاوه مقاومت نظامی گروه‌های مقاومت اندک است و در اغلب موارد سرکوب شده است. اگرچه گروه داعش رشد کرده است اما هنوز اثربخشی اقتدار طالبان را به‌عنوان یک کل به چالش نمی‌کشد، همان‌طور که دولت غنی با وجود شورش طالبان که بی‌ثبات‌کننده‌تر از داعش امروزی بود، همچنان دولت رسمی افغانستان بود.

بر خلاف پرونده نامیبیا، شورای امنیت سازمان ملل از زمان روی کار آمدن طالبان قطعنامه‌ای مبنی بر عدم به رسمیت شناختن حکومت طالبان تصویب نکرده است بلکه برعکس، راهی برای به رسمیت شناختن نهایی در نظر گرفته است. در ۳۰ آگوست ۲۰۲۱، شورای امنیت سازمان ملل متحد از همه طرف‌ها خواست تا به دنبال یک راه‌حل سیاسی فراگیر از طریق مذاکره، با مشارکت کامل، برابر و معنادار زنان باشند به گونه‌ای که به تمایل افغان‌ها برای حفظ و توسعه دستاوردهای افغانستان در بیست سال گذشته پاسخ دهد.

عدم شناسایی طالبان توسط جامعه بین‌المللی را می‌توان تا حدی به عدم اجابت موارد درخواستی در قطعنامه فوق دانست. به علاوه از آنجا که عمل شناسایی به دیدگاه سیاسی کشورها بستگی دارد لذا عدم شناسایی طالبان نه به جهت عدم وجاهت حکومت آنها از منظر حقوق بین‌الملل بلکه از منظر عدم اجابت و برآورده کردن انتظارات کشورهای دیگر به وسیله طالبان است. بسیاری از کشورها به رسمیت شناختن را با تشکیل یک دولت فراگیر، احترام به حقوق بشر و زنان و تعهد به مبارزه با تروریسم مرتبط کرده‌اند.

به عنوان مثال طی نشست سپتامبر ۲۰۲۱ سازمان همکاری شانگهای، ایران، پاکستان، تاجیکستان و ازبکستان سه پیش‌شرط را برای به رسمیت شناختن رسمی رژیم طالبان مطرح کردند: ایجاد یک دولت فراگیر، به رسمیت شناختن حقوق بشر و جلوگیری از گسترش خشونت در مرز. یک سال بعد، درگیری‌های خشونت‌آمیز در امتداد مرز مشترک با پاکستان، تداوم نقض حقوق بشر در سراسر کشور و ادامه فعالیت گروه‌های تروریستی در داخل کشور، مانع از تحقق تلاش طالبان برای به رسمیت شناختن رسمی حتی از سوی کشورهای همسایه شد.

جالب است بدانیم این کشورها از جمله کشورهایی بودند که از به قدرت رسیدن سریع طالبان استقبال کردند. کمتر از یک هفته پس از اینکه طالبان کنترل کابل را به دست گرفتند، دیپلمات‌های ترکمن با اشاره به «ماهیت برادرانه» بین عشق‌آباد و کابل با رهبران طالبان دیدار کردند. ازبکستان از نزدیک شدن با طالبان استقبال کرد و برای تبدیل شدن به یک میانجی بین طالبان و کشورهای غربی قدم برداشت. برخی از کشورهای آسیای مرکزی بر این باور هستند که به دلیل نزدیکی جغرافیایی افغانستان و احتمال سرایت یک بحران انسانی یا امنیتی به آن سوی مرز، قطع ارتباط با طالبان بسیار پرهزینه است.

علاوه بر این، چندین کشور فعالیت‌های دیپلماتیک خود را در افغانستان از سر گرفته یا بازگشایی کرده‌اند. اندکی پس از به دست گرفتن قدرت توسط طالبان، ترکیه سفارت خود را در کابل بازگشایی کرد و تنها کشور عضو ناتو شد که این کار را انجام داده است. به همین ترتیب، هند در جولای ۲۰۲۲ یک ارتباط دیپلماتیک کم‌رنگ را در افغانستان دوباره برقرار کرد. دولت هند اعلام کرد که از سفارت بازگشایی شده خود در کابل برای محافظت از امنیت ملی هند در بحبوحه نگرانی فزاینده در مورد سرریز خشونت استفاده خواهد کرد. در مجموع، ۱۴ کشور در افغانستان تحت کنترل طالبان سفارت فعال دارند.

با این حال، چندین چالش همچنان مانع از دستیابی طالبان برای رسمیت بین‌المللی می‌شود. تصمیم طالبان برای ممنوعیت حضور زنان در دانشگاه‌ها با انتقاد شدید سازمان ملل مواجه شد. وزرای خارجه ۱۱ کشور از جمله استرالیا، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، هلند، نروژ، اسپانیا، سوئد و بریتانیا در محکومیت ممنوعیت امدادگران زن به اتحادیه اروپا و ایالات متحده پیوستند. حتی نزدیک‌ترین شرکای دیپلماتیک و اقتصادی طالبان، مانند برخی از همسایگان آسیای مرکزی افغانستان، از حکومت آن انتقاد کرده‌اند. با توجه به تعداد زیادی از قومیت‌های قرقیز، تاجیک، ترکمن و ازبک که در افغانستان زندگی می‌کنند، کشورهای آسیای مرکزی مشتاق دیدن طالبان برای ایجاد یک دولت فراگیر هستند. فقدان حمایت از اقلیت‌های قومی در افغانستان مشروعیت طالبان را خدشه‌دار می‌کند و کشورهای آسیای مرکزی را از به رسمیت شناختن رسمی طالبان باز می‌دارد.

ناتوانی یا سهل‌انگاری طالبان در برخورد با گروه‌های تروریستی مانع دیگری در به رسمیت شناختن این گروه تبدیل شده است. در ۵ سپتامبر ۲۰۲۲، یک انفجار انتحاری توسط داعش در خارج از سفارت روسیه در کابل، جان شش نفر از جمله دو کارمند سفارت روسیه را گرفت. در ماه دسامبر، دو جنگجوی داعش به سفیر پاکستان در کابل حمله کردند. یک هفته بعد، مهاجمان داعش یک هتل در کابل را که اغلب اتباع چینی در آن رفت و آمد می‌کردند، هدف قرار دادند. خشونت سیاسی گروه‌های تروریستی فعال در افغانستان در حال سرایت به پاکستان نیز هست. این مهم از طریق تحریک طالبان

پاکستان انجام می‌شود که با طالبان افغانستان رابطه نزدیک دارد. این موضوع نه تنها رابطه طالبان و پاکستان را تحت تاثیر قرار داده بلکه یکی از موانع جدی شناسایی طالبان توسط پاکستان است.

شاید تنها دلیلی که جامعه بین‌المللی را مجبور به شناسایی طالبان کند این باشد که تعامل با طالبان بیشتر آن‌ها را تشویق خواهد کرد که به رعایت حقوق بشر، مقابله با گروه‌های تروریستی و تشکیل دولت فراگیر تن دهند. به‌ویژه آنکه طالبان امنیت نسبی را در افغانستان فراهم کرده‌اند و تا آینده نزدیک نمی‌توان جایگزینی برای آن‌ها متصور بود.

۳. مسئله زنان

دختران و زنان از اولین روزهای تسلط طالبان در آگوست ۲۰۲۱ شروع به از دست دادن آزادی کردند. کشورهای غربی حداقل در واکنش به آن، رژیم جدید را منزوی کردند، کمک‌های توسعه‌ای را قطع کردند، دارایی‌ها را مسدود کردند و تحریم‌ها را حفظ کردند. این اقدامات منجر به انقباض ۲۰ درصدی اقتصاد افغانستان در عرض چند ماه شد که به نوبه خود منجر به گرسنگی بی‌سابقه در سراسر کشور و فرو رفتن میلیون‌ها نفر در فقر شد. در سال ۲۰۲۲ کمک‌کنندگان بین‌المللی از ترس قحطی و بی‌ثباتی منطقه‌ای، سیاست تنبیهی کمتری را اعمال کردند. ایالات متحده و متحدانش بر روی تحریم‌ها معافیت‌هایی قائل شدند و آنقدر کمک بشردوستانه برای افغانستان متعهد شدند که حجم عملیات کمک‌رسانی حتی از اوکراین هم پیشی گرفت. در ادامه این روند سازمان ملل برای ۲۰۲۳ برای افغانستان مبلغ ۴٫۶ میلیارد دلار کمک بشردوستانه تقاضا کرده است که بزرگترین درخواست در طول تاریخ در هر نقطه از جهان است (Crisisgroup, 2023: 4).

در گذشته کمک‌ها جان میلیون‌ها نفر را در افغانستان نجات داده است. بر این اساس مقامات غربی امیدوار بودند که تعامل عمل‌گرایانه، سیاست‌های خشن طالبان را -به‌ویژه در قبال دختران و زنان- کاهش دهد و امکان همکاری با این گروه را فراتر از عملیات‌های بشردوستانه، به‌ویژه در بازگرداندن خدمات ضروری کشور و تثبیت اقتصاد ملی فراهم کند. یکی از خدمات دولتی که اهداکنندگان به‌ویژه امیدوار بودند که طالبان آن را بازگرداند، مدارس متوسطه دولتی برای دختران بود که طالبان آن را به حالت تعلیق درآورده بود. در ژانویه ۲۰۲۲، دیپلمات‌های طالبان برای اولین نشست‌های خود در اروپا پس از به دست گرفتن قدرت، به نروژ رفتند و به کمک‌کنندگان برای بازگشایی آموزش برای دانش‌آموزان دختر در هر سنی اطمینان دادند. در همان جلسه، برای اولین بار، نمایندگان ایالات متحده و اروپا وعده حمایت برای احیای اقتصاد ویران‌شده از جنگ افغانستان، از جمله چشم‌انداز اجازه دادن به بانک مرکزی در کابل برای بازیابی میلیاردها دلار موجودی در خارج از کشور را دادند.

طالبان به سرعت به وعده‌های خود عمل کردند اما به نظر می‌رسید این اقدامات به دور از نظر ملا هیبت‌الله رهبر طالبان انجام می‌شود. هیبت‌الله در ماه‌های اولیه رژیم چنان حضور ضعیفی داشت که برخی از تحلیلگران بر این باور بودند که او مرده است، اما انعطاف طالبان بر سر تحصیل زنان و سیاست درهای باز طالبان در روابط خارجی ثابت کرد که او قدرتمندترین صدای جنبش باقی مانده است. این مهم زمانی بیشتر عیان شد که هیبت‌الله در مارس ۲۰۲۲ کابینه را به فندهار احضار کرد و برنامه‌های آغاز مجدد تحصیلات متوسطه برای دختران را که مصوب هیأت وزیران بود لغو نمود (Crisisgroup, 2023: 4). مقامات غربی با این تصمیم احساس خیانت کردند اما امیدوار بودند که طالبان ممکن است آن را لغو کند. این امید حداقل در ابتدا با تعداد زیادی از استثنائات ممنوعیت تداوم یافت؛ برخی از مقامات استانی آن را نادیده گرفتند و قوانین اغلب برای تدریس خصوصی نادیده گرفته می‌شدند. طالبان همچنین به هزاران دختر اجازه دادند تا در پاییز ۲۰۲۲ در امتحانات ورودی دانشگاه شرکت کنند، زیرا دانشگاه‌ها به آموزش زنان ادامه داده بودند. اما به نظر می‌رسید که هیبت‌الله فکر می‌کرد قوانین به اندازه کافی سختگیرانه نیستند. او سران طالبان را بار دیگر در نوامبر ۲۰۲۲ گرد هم آورد و بر سیاست‌های

تندرو که اندکی پس از آن اجرا شد پافشاری کرد. طالبان زنان را از پارک‌ها، ورزشگاه‌ها و حمام‌ها منع کردند و مجازات‌های عمومی نقض‌کنندگان از جمله شلاق و اعدام را که از ویژگی‌های بارز آن‌ها بود، بازگرداندند (Crisisgroup, 2023: 4).

در ۲۰ دسامبر ۲۰۲۲، وزارت تحصیلات عالی با صدور دستور کتبی به دانشگاه‌های دولتی و خصوصی، تحصیل زنان را تا اطلاع ثانوی به حالت تعلیق درآورد. تجمع غیرعادی طالبان مسلح در ایست‌های بازرسی که در اطراف دانشگاه‌ها ایجاد شده بود، کاملاً محسوس بود. در حالی که دانشجویان پسر اجازه ورود به دانشگاه را داشتند، دانشجویان و معلمان دختر با ممانعت ورود روبه‌رو شدند. به زنان با زبان اسلحه گفته شد که دیگر نمی‌توانند در کلاس‌های درس شرکت کنند. دانش‌آموزان دختر و پسر در چندین شهر دست به تظاهرات زدند، اما طالبان با ماشین‌های آب‌پاش، ضرب و شتم و دستگیری آن‌ها را متفرق کردند.

تصمیم طالبان درباره منع زنان از تحصیل به هر دلیل که بوده باشد واکنش جامعه بین‌المللی را برانگیخته است. برخی از برجسته‌ترین انتقادهای از سوی دولت‌های اسلامی که از قضا رابطه خوبی با طالبان داشتند از جمله عربستان سعودی، ترکیه، قطر، امارات متحده عربی و (با احتیاط) پاکستان وارد شد. چندین گروه از علمای اسلامی نیز تصمیمات طالبان را محکوم کردند. سازمان همکاری اسلامی قبلاً هیأتی را برای مخالفت با ممنوعیت‌های تحصیلی طالبان در ژوئن ۲۰۲۲ اعزام کرده بود و اشاره کرد که دیدارهای بیشتری از سوی شخصیت‌های ارشد در جهان اسلام برای دفاع از حقوق زنان انجام خواهد شد.

مقامات غربی که از قبل در مورد اعلامیه طالبان در مورد دانشگاه‌ها هشدار داده بودند، چندین هفته را در مورد گزینه‌های تعمیق تحریم‌ها، قطع کمک‌ها یا اعمال سایر اشکال مجازات به بحث گذاشتند. آلمان که ریاست نشست وزرای خارجه گروه ۷ را بر عهده داشت سیاست تبعیض جنسی طالبان را جنایت احتمالی علیه بشریت توصیف کرد. کمک‌کنندگان G7، که پیش‌تر ۳ میلیارد دلار کمک مالی بشردوستانه را برای افغانستان در سال ۲۰۲۲ تأمین کردند، تهدید نمودند سیاست طالبان «عواقب نامشخصی» را در آینده برای آن‌ها خواهد داشت. آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده گفت که دولت او در حال گفتگو با دیگران در مورد چگونگی واکنش است و اگر این امر معکوس نشود، هزینه‌هایی در پی خواهد داشت.

به نظر می‌رسد روند فوق در سال ۱۴۰۲ همچنان ادامه یابد؛ یعنی از یک‌سو طالبان تحت تاثیر سیاست‌های مذهبی خود به اعمال محدودیت علیه تحصیل زنان ادامه دهند و از سوی دیگر مقاومت مدنی زنان علیه این تصمیم ادامه یابد و در نهایت فشارهای بین‌المللی نیز با شدت و ضعف تداوم پیدا کند. این فرایند احتمالاً دو دستگی در میان مقامات طالبان را تشدید خواهد کرد.

۴. چالش اقتصادی

افغانستان همچنان پس‌لرزه‌های خروج ناگهانی نیروهای ایالات متحده و نیروهای ائتلاف در اوت ۲۰۲۱، به‌ویژه انقباض اقتصادی متعاقب آن را احساس می‌کند. اگرچه اقتصاد دیگر در سقوط آزاد نیست، اما مشکلات اقتصادی همچنان بی‌رحمانه بر شهروندان عادی ضربه می‌زند و بیش از نیمی از مردم به اساسی‌ترین نیازهای زندگی محتاج هستند. همان‌گونه که پیش از این گفته شد بر اساس گزارش دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد (UNOCHA)، در افغانستان بیش از ۲۰ میلیون نفر با گرسنگی حاد از جمله ۶ میلیون نفر در سطوح اضطراری مواجه هستند. بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM) سازمان ملل متحد، در سپتامبر ۲۰۲۲ تنها یک سال پس از تسلط طالبان تقریباً ۲۴٫۴ میلیون نفر - ۵۹ درصد از جمعیت افغانستان - به کمک‌های بین‌المللی و کمک‌های اضطراری وابسته شدند (Jabarkhai, 2023: 1). بین سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۲، تعداد افغان‌هایی که قادر به تهیه غذای مورد نیاز خود و خانواده‌هایشان نبوده‌اند با ۱۱ درصد افزایش به ۸۶ درصد رسید. این نه تنها یک رکورد جدید برای افغانستان است، بلکه از نظر آماری یک رکورد جهانی است.

بالاترین رتبه در این خصوص مربوط به جمهوری آفریقای مرکزی است که حدود ۸۷ درصد در سال ۲۰۱۰ بوده است (Claire Evans, 2022: 2).

برای مقابله با بحران‌های اقتصادی و تحول اقتصادی، یکی از ابزارهای مهم بودجه ملی است. با این حال، به نظر می‌رسد که مقامات طالبان از این ابزار به درستی استفاده نمی‌کنند. پس از تصویب اولین بودجه سال در اوایل ماه مارس ۲۰۲۲، طالبان بدون اعلام جزئیات، اجرای بودجه ملی را آغاز کردند. حجم کل بودجه ملی ۲۳۱ میلیارد افغانی (۲,۶۵ میلیارد دلار) با کسری بودجه ۴۰ میلیارد افغانی بود. هیچ جزئیاتی مبنی بر اینکه اولویت‌های بخش عمومی چیست یا منابع چگونه بین بخش‌های مختلف توزیع می‌شود وجود نداشت. به‌عنوان مثال هیچ پروژه توسعه‌ای اصلی در بخش بهداشت و آموزش تصویب نشده و یا در حال انجام نیست. این دو بخش می‌توانند به‌عنوان ستون اصلی اقتصاد افغانستان عمل کنند و رهبران توانمندی برای خدمت به کشور ایجاد نمایند اما آن گونه که انتظار می‌رود فعال نیستند و حتی رهبری وزارت معارف از زمان آغاز به کار رژیم طالبان دو بار تغییر کرده است (Jabarkhai, 2023: 2).

این در حالی است که جمع‌آوری درآمد در ۹ ماه اول سال مالی ۲۰۲۲ خوب توصیف شده است. جمع‌آوری کلی عواید به ۱۳۵,۹ میلیارد افغانی (۱,۵۴ میلیارد دلار آمریکا) بین ۲۲ مارس ۲۰۲۲ تا ۲۱ دسامبر ۲۰۲۲ مطابق با نتایج سال ۲۰۲۰ رسید. افغانستان همچنان به‌شدت به عواید جمع‌آوری شده در مرز متکی بود - بر خلاف جمع‌آوری عواید داخلی؛ به‌عنوان مثال، برای دوره مورد بحث، مالیات در مرزها به ۵۸ درصد از کل درآمد رسید. عواید از منابع داخلی از ۲۱ مارس تا پایان دسامبر ۲۰۲۲ به ۶۱ میلیارد افغانی (۰,۷ میلیارد دلار) رسید که منابع غیر مالیاتی بیشترین سهم را داشته‌اند. درآمدهای غیر مالیاتی، که عمدتاً شامل درآمدهای وزارتخانه‌ها در هزینه‌های اداری و حوالامتیاز است، ۵۴ درصد از کل درآمدهای داخلی را تشکیل می‌دهد، در مقایسه با ۴۵ درصد در سال ۲۰۲۱. افزایش حوالامتیاز و هزینه‌های استخراج زغال‌سنگ احتمالاً باعث افزایش درآمد وزارتخانه‌ها می‌شود (World bank, 2023).

عملکرد صادرات همچنان قوی است؛ طی ژانویه تا نوامبر ۲۰۲۲، افغانستان ۱,۷ میلیارد دلار کالا صادر کرده است، در مقایسه با ۰,۹ میلیارد دلار و ۰,۸ میلیارد دلار برای سال‌های کامل ۲۰۲۱ و ۲۰۲۰، داده‌های مقامات گمرکی نشان می‌دهد که پاکستان (۶۵ درصد) و هند (۲۰ درصد) دو مقصد اصلی صادرات هستند. عمده صادرات شامل محصولات نباتی (۵۶ درصد)، محصولات معدنی (۲۸ درصد) و منسوجات (۱۰ درصد) است که مجموعاً ۹۴ درصد از کل صادرات را شامل می‌شود. داده‌های واردات به‌روز در دسترس نیست. با این حال، داده‌های ژانویه تا ژوئن ۲۰۲۲ نشان می‌دهد که افغانستان ۲,۹ میلیارد دلار کالا وارد کرده است. از کل واردات، ایران (۲۳ درصد)، پاکستان (۱۶ درصد) و چین (۱۴ درصد) مبدأ اصلی واردات بوده‌اند. عمده واردات شامل محصولات معدنی (۲۴ درصد)، محصولات گیاهی (۲۰ درصد) و منسوجات (۹ درصد) است که در مجموع ۵۴ درصد از کل واردات را شامل می‌شود (World bank, 2023).

بر اساس گزارش بانک جهانی و وزارت دارایی افغانستان پس از توقیف فوری ذخایر ارزی افغانستان در روزهای پس از قدرت‌گیری طالبان، وزارت خزانه‌داری ایالات متحده در سپتامبر ۲۰۲۲ صندوق افغان را ایجاد کرد و ۳,۵ میلیارد دلار از ذخایر مسدودشده افغانستان در خارج از کشور را به این صندوق انتقال داد. این صندوق به‌عنوان نهادی موازی با بانک مرکزی عمل می‌کند و وظایفی را برای حفظ ثبات اقتصاد کلان انجام می‌دهد. هدف کوتاه‌مدت این صندوق تداوم پرداخت دلار به منظور حفظ ثبات پولی و کلان اقتصادی و همچنین پرداخت برای واردات مهم از جمله برق و معوقات افغانستان به نهادهای مالی بین‌المللی است. هدف درازمدت این صندوق این است که این ذخایر را به‌طور کامل به جایی که متعلق به آن است، یعنی بانک مرکزی افغانستان بازگرداند.

با این حال، عدم شفافیت و عدم پاسخگویی و نبود چشم‌انداز، اقتصاد افغانستان را رنج می‌دهد. به نظر نمی‌رسد که دولت طالبان در مورد اصلاح اقتصاد افغانستان جدی باشد. هیچ سیاست یا راهبردی که بتواند چشم‌اندازی از توسعه اقتصادی ارائه دهد، اعلام نشده است. فعالیت‌های بخش خصوصی به دلیل عدم اعتماد و محدودیت‌های برداشت نقدی تضعیف می‌شوند

که منجر به کاهش تقاضای سرمایه‌گذاری می‌شود. فقدان یک راهبرد توسعه اقتصادی مشخص نیز نشان می‌دهد که مقامات طالبان لزوماً علاقه‌مند به ارتقاء رشد اقتصادی نیستند. شفافیت و پاسخگویی دو رکن اصلی است که می‌تواند به ایجاد یک سیستم مدیریت مالی در افغانستان کمک کند اما هر دوی این‌ها در نسخه حکومتی طالبان وجود ندارد. دیوان عالی حسابرسی که مسئولیت حسابرسی صورت‌های مالی را بر عهده دارد، پس از گذشت بیش از یک سال غیرفعال است. وظایف موازی برخی از واحدهای بودجه‌ای نیز هنوز حل نشده است. بنابراین به نظر می‌رسد در سال ۱۴۰۲ روند بهبود اقتصادی ادامه خواهد یافت اما عدم شفافیت، عدم پاسخگویی و فقدان برنامه کماکان سایه خود را بر اقتصاد افغانستان می‌اندازد و این می‌تواند پیامدهای سیاسی-امنیتی برای طالبان به همراه داشته باشد.

نتیجه

چالش‌های پیش‌روی طالبان در افغانستان چالش‌های مرتبط به هم هستند و یکی دیگری را تقویت می‌کند. اگرچه طالبان تا حدودی موفق شده است نسبت به ماه‌های اولیه، اقتصاد افغانستان را تثبیت کند، تحریم‌های بانکی، مصادره بین‌المللی دارایی‌های بانک مرکزی افغانستان و پایان کمک‌های توسعه‌ای غرب را کم‌اثر نماید، پول افغانی را تقویت کند، تورم را کاهش دهد، واردات را تا حدی احیا نماید، صادرات را دو برابر کند و گمرکات و مالیات‌ها را بسیار موفق‌تر از رهبران حکومت پیشین جمع‌آوری نماید اما هنوز تا شکل دادن به نظام اقتصادی که بتواند برای تداوم حاکمیت این گروه اطمینان-بخش باشد فاصله زیادی دارد.

در خصوص شناسایی بین‌المللی، از زمانی که طالبان کنترل کابل را در اوت ۲۰۲۱ به دست گرفتند، رهبران آن در بیش از ۳۷۵ نشست دیپلماتیک با بیش از ۳۰ کشور شرکت کرده‌اند. مشارکت مکرر طالبان در ترتیبات دوجانبه و چندجانبه با شرکای دیپلماتیک خود تضمین می‌کند که افغانستان از انزوای دیپلماتیک اجتناب می‌کند. تبادلات دیپلماتیک همچنین سازوکارهایی را برای گفتگو بین کشورها و طالبان برای رسیدگی به نگرانی‌های انرژی، اقتصادی و امنیتی منطقه‌ای ترویج می‌کند.

با این حال سه شرط اساسی که طالبان باید انجام دهند تا با اقبال بین‌المللی مواجه شوند کماکان نادیده گرفته شده‌اند: دولت فراگیر، مسئله زنان و فعالیت گروه‌های تروریستی. بدون حل این سه موضوع بعید است بتوان پیش‌بینی کرد طالبان بتوانند به حکومتی پایدار و بدون دغدغه در افغانستان ادامه دهند و راه‌حل این مسئله نه در بیرون از افغانستان بلکه در درون طالبان قابل جستجو است. طالبان باید تعدیل شود و این در پرتو کمرنگ شدن تفکرات ملا هیبت‌الله در سیاست و حکومت طالبان امکان‌پذیر است.

فهرست منابع

منابع غیرفارسی

- 1- Claire Evans, Mary (2022) "Taliban Plunge Afghans into Economic Ruin", gallup, available at: <https://news.gallup.com/poll/405524/taliban-plunge-afghans-economic-ruin.aspx>
- 2- Crisisgroup , (2023) "Taliban restrictions on women rights deepen Afghanistan crisis" crisisgroup Report N.329, Kabul/Brussels, available at: <https://www.crisisgroup.org/asia/south-asia/afghanistan/329-taliban-restrictions-womens-rights-deepen-afghanistans-crisis>
- 3- Crisisgroup(2022) "Afghanistan security challenges under the Taliban", Report N326, available at: <https://www.crisisgroup.org/asia/south-asia/afghanistan/afghanistans-security-challenges-under-taliban>
- 4- Economic intelligence Unit (2023) "Afghanistan, Economy, politics, and GDP Growth Summery" available at: <https://country.eiu.com/Afghanistan>
- 5- Felban Brown, Vanda (2023) "Afghanistan in 2023: Taliban internal power struggles and militancy", Brookings, available at: <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2023/02/03/afghanistan-in-2023-taliban-internal-power-struggles-and-militancy/>

- ٦- Jabarkhail ,Ibrahim Khan (2023) “Afghanistan’s Uncertain Economic Future as the New Year Dawns,” The Diplomat, available at: <https://thediplomat.com/2023/01/afghanistans-uncertain-economic-future-as-the-new-year-dawns/>
- ٧- Saul, Ben (2021)” Recognition and taliban international legal status”, International Center for Counter-Terrorism(ICCT), available at: <https://www.icct.nl/publication/recognition-and-talibans-international-legal-status>
- ٨- World bank (2023)” Afghanistan Economic Monitor”, reliefweb, available at:<https://reliefweb.int/report/afghanistan/afghanistan-economic-monitor-january-٢٥-٢٠٢٣>

